

یادداشت

ضاحیه؛ فراکتال خاورمیانه در آینه ماندلبروت

نیروانامه‌رآتین

در ریاضیات، فراکتال ماندلبروت پدیده‌ای شکفت‌انگیز است. هرچه بیشتر بر یک بخش کوچک از تصویر زوم کنید، دوباره همان الگوی بزرگ‌تر را مشاهده خواهید کرد. گویی هر جزء، بازتابی از کل است؛ نه مشابه آن، بلکه بازتولید همان منظر در مقیاسی دیگر.

خاورمیانه نیز بیش از آنکه شبیه یک صفحه شطرنج باشد، به یک فراکتال ماندلبروتی شباهت دارد. در این منطقه، رویدادها مستقل از یکدیگر نیستند. یک حمله در ضاحیه جنوبی بیروت، صرفا یک حادثه امنیتی در لبنان نیست؛ همان الگویی را بازتولید می‌کند که در روابط ایران و اسرائیل، در مناسبات تهران و واشینگتن و حتی در معماری امنیتی کل منطقه جریان دارد. به همین دلیل است که میان برداشت ایران و برداشت آمریکا از حمله به ضاحیه شکافی عمیق وجود دارد. در حالی که دونالد ترامپ اعلام می‌کند لبنان نباید بخشی از هرگونه تفاهم با ایران باشد، تهران دقیقا برعکس می‌اندیشد. از نگاه ایران، حمله به ضاحیه را نمی‌توان از مذاکرات، آتش‌بس‌ها و معادلات منطقه‌ای جدا کرد؛ زیرا همه این موارد بخشی از یک زنجیره واحد هستند. اگر در نقطه‌ای از این زنجیره تنش افزایش یابد، کل ساختار تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

در این چارچوب، واکنش ایران به حمله اخیر صرفا واکنش به یک عملیات نظامی نیست، بلکه واکنش به نقض منطق آتش‌بس و ثبات منطقه‌ای است. از منظر تهران، وقتی از کاهش تنش سخن گفته می‌شود اما هم‌زمان حملات نظامی ادامه پیدا می‌کند، میان گفتار سیاسی و رفتار میدانی شکاف ایجاد می‌شود. چنین شکافی نه‌تنها اعتماد را فرسایش می‌دهد، بلکه بنیان هرگونه توافق پایدار را نیز تضعیف می‌کند. در همین نقطه، ماجرای پیام‌های هم‌زمان اهمیت پیدا می‌کند. در یک بازه زمانی کوتاه، از یک سو پیام‌های دیپلماتیک و میانجیگرانه از کانال‌هایی مانند پاکستان منتقل می‌شود و از سوی دیگر، حملات نظامی در منطقه ادامه می‌یابد. این وضعیت، تصویری متناقض اما آشنا از سیاست خاورمیانه ارانه می‌دهد؛ منطقه‌ای که در آن نامه و موشک، مذاکره و فشار، دیپلماسی و عملیات نظامی اغلب به‌صورت هم‌زمان به کار گرفته می‌شوند.

اما آیا این دو مسیر متناقض‌اند؟ شاید پاسخ منفی باشد. در بسیاری از بحران‌های معاصر، قدرت‌ها تلاش می‌کنند از دو زبان به‌طور هم‌زمان استفاده کنند؛ زبان دیپلماسی برای باز نگه‌داشتن مسیر گفت‌وگو و زبان قدرت برای حفظ اهرم فشار. مسئله اصلی نه وجود این دو زبان، بلکه نحوه تفسیر آنها از سوی طرف مقابل است. در اینجا ضاحیه به یک نماد تبدیل می‌شود. اگر بر ضاحیه زوم کنیم، نزاعی میان اسرائیل و بازیگران لبنانی می‌بینیم. کمی عقب‌تر برویم، همان الکو به رقابت ایران و اسرائیل تبدیل می‌شود. در مقیاسی بزرگ‌تر، همان الکو در روابط ایران و آمریکا تکرار می‌شود؛ فشار در کنار مذاکره، بازدارندگی در کنار دیپلماسی و تهدید در کنار پیشنهاد توافق. این همان منطق فراکتال ماندلبروت است؛ تکرار یک الگوی واحد در سطوح مختلف. از این منظر، اختلاف واقعی میان تهران و واشینگتن بر سر یک حمله یا یک آتش‌بس نیست؛ اختلاف بر سر تعریف ماهیت منطقه است. آمریکا می‌کوشد پرونده‌ها را تفکیک کند؛ لبنان یک موضوع، برنامه هسته‌ای موضوعی دیگر و مذاکرات نیز مسیری جداگانه. اما ایران منطقه را یک سیستم به‌هم‌پیوسته می‌بیند که در آن امنیت بیروت، دمشق، تهران و حتی مذاکرات سیاسی از یکدیگر قابل جداسازی نیستند.

اسرائیل نیز در میانه این معادله قرار دارد. هر حمله به ضاحیه تنها یک اقدام تاکتیکی نیست؛ پیامی است که به‌طور هم‌زمان برای لبنان، ایران، آمریکا و بازیگران منطقه‌ای ارسال می‌شود. به همین دلیل، اثر آن فراتر از محدوده جغرافیایی خود گسترش می‌یابد. شاید مهم‌ترین درس حمله به ضاحیه همین باشد؛ در خاورمیانه هیچ رویدادی صرفا محلی نیست. همان‌گونه که در فراکتال ماندلبروت، هر جزء تصویری از کل را در خود دارد، ضاحیه نیز تصویری فشرده از کل معادله خاورمیانه است؛ جایی که آتش‌بس و جنگ، نامه و موشک، مذاکره و بازدارندگی، همگی در یک قاب واحد دیده می‌شوند.

به همین دلیل، بحث بر سر اینکه لبنان بخشی از توافق با ایران هست یا نیست، بیش از آنکه یک اختلاف دیپلماتیک باشد، بازتاب دو نگاه متفاوت به ساختار قدرت در خاورمیانه است؛ یک نگاه که منطقه را مجموعه‌ای از پرونده‌های جداگانه می‌بیند و نگاهی دیگر که آن را فراکتالی واحد می‌داند؛ ساختاری که هر بخش آن، بازتابی از کل آن است.

انتقام جویی به جای عدالت

مهسا مژده‌هی؛ یک باورنیم پس از فروپاشی ناگهانی حکومت بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴، وضعیت جامعه اقلیت علوی سوریه (که حدود ۹ تا ۱۱ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند) به یکی از بحرانی‌ترین پرونده‌های حقوق‌ بشری و مذهبی در خاورمیانه تبدیل شده است.

علوی‌ها در دوران بی‌اسد

پس از سقوط اسد و به قدرت رسیدن هیئت تحریرالشمال، یک دولت انتقالی در سوریه شکل گرفت و هم‌زمان خشونت‌ها علیه علویان سوریه افزایش پیدا کرد. این افراد با استدلالی مبنی بر اینکه حامیان حکومت بشار اسد را تشکیل می‌دادند، در قتل‌عام‌هایی با نشانه‌های نسل‌کشی هدف قرار گرفتند و اشکال مختلف خشونت، ازجمله قتل، ربودن و مصادره زمین و املاک را تجربه کردند. پس از فرار بشار اسد از کشور، علوی‌های ساکن در نوار ساحلی سوریه هدف یک قتل‌عام گسترده قرار گرفتند و هم‌زمان تنش‌های فرقه‌ای، سیاسی و اجتماعی نسبت به جامعه علوی عمیق‌تر شد؛ چراکه به آنها به چشم فرقه‌ای که به حکومت ساقط‌شده اسد پناه داده بود، نگاه می‌شد.

رویکرد دولت الشرع نسبت به علوی‌ها

جامعه علوی‌های سوریه، به‌عنوان یک اقلیت مذهبی منشعب از تشیع، قرن‌ها در انزوا جغرافیایی کوهستان‌های ساحلی لاذقیه و طرطوس زیسته‌اند؛ اما تحولات نیم‌قرن گذشته، نام آنها را با سرنوشت سیاسی سوریه گره زده است. تا پیش از دهه ۱۹۷۰، علوی‌ها جامعه‌ای عمدتا فقیر و حاشیه‌نشین بودند، اما با کودتای حافظ اسد در سال ۱۹۷۰، اوضاع برای گروهی از آنها عوض شد. حافظ اسد که خود علوی بود، با تکیه بر گروهی از آنها، ساختار امنیتی و نظامی سوریه را بازسازی کرد. با مرگ حافظ و روی کار آمدن بشار اسد در سال ۲۰۰۰، این فرمول دست‌نخورده باقی ماند. با شعله‌ورشدن بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، دولت بشار اسد تلاش کرد با تکیه بر علوی‌ها جایگاه خود را محکم کند. این استراتژی، جامعه علوی را در موقعیت انتخاب بین بد و بدتر قرار داد و سرنوشت آنها را به‌طور کامل به سرنوشت سیاسی بشار اسد زنجیر کرد. این در حالی بود که گروه‌های بزرگی از علوی‌ها پیوند سیاسی با مالی با دولت اسد نداشتند. بخش بسیار محدودی از علوی‌ها در ساختاری موسوم به کمیته صلح مدنی ادغام شده‌اند که شاخص‌ترین آنها خالد الاحم است؛ فردی که پیش از این به بشار اسد نزدیک بود و اکنون به احمد الشرع نزدیک است. در مقابل، برخی دیگر مانند شیخ غزل در موقعیت خصومت با نظام جدید قرار گرفته‌اند. اولین کمیته در دسامبر ۲۰۲۴ در منطقه قدموس طرطوس، توسط جمعیت اسماعیلی شهر برای رسیدگی به اختلافات با همسایگان علوی خود و تسهیل ورود نیروهای دولت جدید به منطقه تشکیل شد. با وجود اهمیت این دو فرد، هیچ‌کدام از این دو چهره، نماینده واقعی علوی‌های سوریه نیستند. باین‌حال، به نظر می‌رسد مقامات جدید در حال مدیریت اقلیت‌های مذهبی و قومی هستند؛ سیستمی که با جوامع به‌عنوان بلوک‌های یکپارچه و قابل کنترل برخورد می‌کند. نه به‌عنوان افرادی با هویت‌های سیاسی مستقل که نیازمند حقوق قانونی هستند.

علوی‌ها در کدام نقاط سکونت دارند؟

علوی‌های سوریه به‌طور سنتی و متمرکز در مناطق غرب و شمال غربی این کشور زندگی می‌کنند. بزرگ‌ترین تجمع علوی‌ها در دو استان ساحلی لاذقیه و طرطوس و به‌ویژه در سلسله‌کوه‌هایی است که به جبال‌العلویین (کوه‌های علوی) معروف هستند. این مناطق کوهستانی و صعب‌العبور، تاریخی‌ترین پناهگاه آنها برای حفظ هویت مذهبی‌شان در قرون گذشته بوده است. شهرهایی مانند جبله، بانباس و روستاهای پیرامون آنها بیشترین جمعیت علوی را در خود جای داده‌اند. علاوه بر نوار ساحلی، بخش قابل توجهی از علوی‌ها در حومه و روستاهای غربی دو استان مرکزی حمص و حما ساکن هستند؛ مناطقی که مرز میان دشت‌های داخلی سوریه و کوهستان‌های ساحلی به شمار می‌روند. در نیم‌قرن گذشته و پس از به قدرت رسیدن حافظ اسد، موج بزرگی از مهاجرت علوی‌ها به دمشق (پایتخت) شکل گرفت. این مهاجرت عمدتا شامل نظامیان، کارمندان دولت، نیروهای امنیتی و خانواده‌هایشان بود. امروزه محله‌هایی در دمشق و حومه آن (مانند عش‌الورور و مرز ۸۶) به‌عنوان مناطق عمدتا علوی‌نشین در پایتخت شناخته می‌شوند. آمار دقیق و رسمی از جمعیت علوی‌های سوریه به دلیل حساسیت‌های مذهبی و سیاسی (به‌ویژه عدم انتشار سرشماری‌های تفکیکی براساس مذهب در دهه‌های گذشته) وجود ندارد؛ باین‌حال، براساس برآوردهای معتبر بین‌المللی، جمعیت آنها بیش از آغاز بحران و جنگ داخلی نزدیک به دو میلیون نفر تخمین زده می‌شد.

علوی‌های سوریه در دوران بی‌اسد

انتقام جویی به جای عدالت



شرایط دشوار علوی‌ها در سوریه

دی‌ماه سال گذشته، شمار زیادی از علویان سوریه با برگزاری تجمع‌ها و تظاهرات به رفتارهای دولت جدید سوریه علیه خود اعتراض کردند. شهرهای لاذقیه و طرطوس شاهد بیشترین تعداد معترضان بودند. اعتراضات به خشونت کشیده شد و با درگیری و سرکوب و برخورد نیروهای دولتی روبرو شد.

براساس گزارش‌های محلی، روایت دوم اما نشان می‌دهد باند‌ها و گروه‌های مسلح در دوره اولیه پس از سقوط حکومت بشار اسد فعال شده و به‌صورت گزینشی اقدام به بازداشت برخی از افسران و هم‌زمان تصاحب خودروها و املاک آنها کرده‌اند. هم‌زمان با این اقدامات، نفرت‌پرکنی علیه علویان نیز چه در قالب خطبه‌های مذهبی و چه تولید محتوا در فضای دیجیتال افزایش چشمگیری پیدا کرد. در تازترین مورد، زمین‌های کشاورزان علوی از سوی سازوکارهای مرتبط با دولت ضبط می‌شود. المانیوتور در گزارشی نوشته است: علوی‌ها می‌گویند خانه‌ها و زمین‌هایشان توسط همسایگان سنی اشغال شده و تحت مدیریت یک شرکت قدرتمند دولتی به نام «اکتفا» قرار گرفته است. در طول جنگ، این شرکت زمین‌های واقع در مناطق تحت کنترل مخالفان را که صاحبانشان از جمله دروزی‌ها و مسیحیان آواره‌شده بودند، مدیریت می‌کرد. اکنون «اکتفا» سیاست مشابهی را در قبال علویان آواره اجرا می‌کند. اگرچه دولت در سال جاری حقوق مالکیت بسیاری از علویان را بازگردانده است، اما هزاران نفر همچنان به زمین‌های خود دسترسی ندارند. با نزدیک شدن فصل برداشت پسته در اواسط ژوئن، بسیاری نگران هستند برای دومین سال متوالی منبع درآمد خود را از دست بدهند.

شرکت اکتفا، در سال ۲۰۲۱ از ادغام دو شرکت مستقر در ادلب به نام‌های «غراس» و «الخضراء» تشکیل شد؛ شرکت‌هایی که در مناطق تحت کنترل «دولت نجات سوریه» فعالیت می‌کردند. دولت نجات سوریه نهادی بود که در سال ۲۰۱۷ برای اداره مناطق تحت کنترل «هیئت تحریرالشام» تأسیس شد؛ ائتلافی از گروه‌های شورشی که حکومت اسد را سرنگون کرد و رهبری آن بر عهده احمد الشرع، رئیس‌جمهور فعلی سوریه بود.

پیش از این، باسل السویدان، وزیر جدید کشاورزی سوریه، مدیریت اکتفا را بر عهده داشت. اکنون ریاست شرکت در اختیار محمد حنوف است که پیش‌تر در نسخه‌های قبلی این شرکت در ادلب فعالیت می‌کرد. اکتفا، اکنون در تمام استان‌های سوریه به‌جز حسکه و سویدا فعالیت دارد. در ادلب، غراس و الخضراء و سپس اکتفا، با کمیته اقتصادی دولت نجات سوریه برای مدیریت زمین‌های صاحبان غایب همکاری می‌کردند. این زمین‌ها شامل املاک دروزی‌ها و مسیحیان آواره نیز می‌شد که بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳، هم‌زمان با تلاش هیئت تحریرالشام برای بهبود وجهه خود نزد اقلیت‌ها، به صاحبانشان بازگردانده شدند. باین‌حال، مالکان می‌گویند هیچ غرامتی بابت سال‌هایی که خانه‌ها و زمین‌هایشان مورد استفاده قرار گرفته بود، دریافت نکردند و درآمد حاصل از آنها به دولت نجات سوریه رسیده بود. خشونت دیگر نه به‌عنوان جرمی جدید که نیازمند تحقیقات مستقل باشد، بلکه بیشتر به‌عنوان امتداد منازعه پیشین جلوه کرد. در نتیجه، تمایل به پاسخ‌گویی قضائی به تدریج جای خود را به تفسیر آماده سیاسی و اجتماعی داد و قتل‌ها بیشتر به‌عنوان اقداماتی تعبیر شدند که از پیش‌غلت‌شان فهمیده شده است، نه جنایاتی که مستلزم تحقیق و بازخواست باشند.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

همراه با ارزیابی کیفی همزمان (روش فشرده) – نوبت اول

اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی همزمان (روش فشرده) طبق تاریخ های اعلام شده در جدول زیر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید.

| شماره مناقصه | موضوع | بر آورد «ریال» | تضمین «ریال» | نوع ضمانتنامه | دستگاه نظارت | حداقل شرایط مجاز برای دریافت اسناد | شماره ثبت فراخوان در سامانه |
|--------------|---|-----------------|---------------|---------------|-----------------------|------------------------------------|-----------------------------|
| ۱۶-۱۴۰۴ | اجرای کانال جمع آوری آبهای سطحی خیابان فی مابین مساکن مهر با منازل شهرک نیایش | ۱۶۲,۳۲۹,۱۳۷,۶۹۹ | ۸,۱۱۶,۹۵۶,۸۸۵ | بانکی | معاونت مسکن و ساختمان | پایه ۵ آب | ۲۰۰۵۰۳۳۸۹۰۰۰۰۹ |

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی (ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد. و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، کلیه مراحل ثبت نام در سایت مذکور را جهت دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام کرده و در مناقصه اعلام شده شرکت کنند.

• **محل دریافت اسناد ارزیابی و مناقصه:** مناقصه گران جهت دریافت اسناد ارزیابی و مناقصه به آدرس **www.setadiran.ir** مراجعه نمایند.

• **مهلت زمانی دریافت اسناد ارزیابی و مناقصه از سامانه ستاد:**

| | |
|--|---|
| مهلت دریافت اسناد از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) | از ساعت ۱۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۰ تا ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۵ |
| آخرین مهلت بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه به صورت الکترونیکی در سامانه ستاد | تا ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ |
| آخرین مهلت تحویل نسخه فیزیکی پاکت الف به دبیرخانه ساختمان شماره یک | تا ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ |
| تاریخ گشایش پاکت ارزیابی کیفی | ساعت ۱۰:۳۰صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ |
| تاریخ گشایش مناقصه | پس از اتمام فرایند ارزیابی کیفی |
| مدت اعتبار پیشنهاد | ۳ ماه |

ضمنا مناقصه گران جهت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد ارزیابی و مناقصه به اداره پیمان و رسیدگی و همچنین جهت ارائه پاکت الف (تضمین شرکت در مناقصه) در موعد مقرر به دبیرخانه اداره کل راه و شهرسازی به آدرس بوشهر خیابان رئیسعلی دلواری اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر ساختمان شماره ۱ مراجعه نمایند. کسب حداقل امتیاز لازم از ارزیابی کیفی پیش از بازگشایی پاکت های مناقصه (الف و ب و ج) مناقصه گران الزامی می باشد. برای کسب اطلاعات بیشتر به آدرس **www.setadiran.ir** و تارنمای **www.iets.mporg.ir** مراجعه نمایند. در ضمن هزینه کارمزد سامانه ستاد و درج آگهی در روزنامه بر عهده برنده مناقصه خواهد بود. اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۱۴۵۶ می باشد.

شناه : ۲۱۹۸۲۹۹

اداره ارتباطات واطلاع رسانی راه وشهرسازی استان بوشهر

خبر

پیروزی پاشینیان درانتخاباتارمنستان

مردم ارمنستان با حمایت از نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر مستقر این کشور، به ادامه سیاست فعلی و تمایل به غرب رأی دادند. با شمارش اکثریت قابل توجه آرا، حزب «فراراد مدنی» با ۵۱.۲ درصد در برابر ائتلاف «ارمنستان قوی» به رهبری میلیاردر سامول کاراپتیان با ۲۳ درصد پشتاز بود. دو نیروی اپوزیسیون دیگر نیز از حد نصاب عبور کردند. میزان مشارکت در انتخابات ارمنستان حدود ۵۹ درصد اعلام شده است.

نخست‌وزیر ارمنستان در سخنرانی پس از رأی‌گیری، این رویداد را «پیروزی تاریخی که تضمین‌کننده ابدیت و توسعه ارمنستان است.» توصیف کرد.

پاشینیان وعده داد «مسیر نزدیکی به غرب را ادامه دهد» و هم‌زمان روابط ارمنستان با روسیه را نیز توسعه دهد. او همچنین بر تعهد ایران به صلح و همکاری منطقه‌ای تأکید کرد و گفت تقویت روند صلح با جمهوری آذربایجان و عادی‌سازی روابط با ترکیه همچنان از اولویت‌های اصلی دولت او خواهد بود. با اعلام نتایج انتخابات، اورزولا فن در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، ضمن تبریک به پاشینیان گفت: «ارمنستان می‌تواند روی ما حساب کند». او افزود: «ما ارزش زیادی برای شرکات خود با یک ارمنستان دموکراتیک قائل هستیم که هر چه بیشتر به اروپا نزدیک می‌شود.»

تجدید اروپا به‌طور کامل از پاشینیان در این انتخابات حمایت کرده و یک بسته حمایتی اقتصادی برای کمک به کاهش محدودیت‌های اقتصادی روسیه که در جریان کارزار انتخاباتی ببر ایران تحمیل شده بود، تهیه کرده است. با وجود تهدیدها و ادعاهای دخالت از سوی کرملین، نتیجه این انتخابات همچنین نشانه‌ای از کاهش نفوذ روسیه در منطقه‌ای است که زمانی تحت سلطه مسکو بوده است. در حالی که ارمنستان و روسیه از نظر رسمی متحد هستند، مسکو جاه‌طلبی‌های این جمهوری سابق شوروی برای پیوستن به اتحادیه اروپا را یکی از دلایل آغاز حمله گسترده خود به اوکراین در سال ۲۰۲۲ معرفی کرده است.

این انتخابات پس از سال‌ها آشفتگی سیاسی از زمان انقلاب خیابانی ۲۰۱۸ پاشینیان برگزار شد. او در کارزار انتخاباتی تند و صریحی تأکید کرد آینده ارمنستان در خطر است و مخالفان را متهم کرد که کشور را به خاطر قره‌باغ ترک کرده و به مردم خیانت کرده‌اند؛ در حالی که او معتقد بود باید فصل درگیری با جمهوری آذربایجان بسته شود.

روابط عمومی و امور بین الملل شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) سازند